

## The Role of Principles Governing the Criminal Policy of Imami Jurisprudence in Reducing Crimes and Stabilizing National Security<sup>1</sup>

Zeyn al-Abedin Golsanamlu<sup>2</sup>  
Rahim Wakilzadeh<sup>3</sup>, Reza Ranjbar<sup>4</sup>

(Received on: 2021-09-29; Accepted on: 2022-01-23)

### Abstract

In all legal systems, the effort is to reduce crimes and improve the national security of society. However, legal systems have different views on what policies and strategies can be used to achieve this goal. In the legal system of Imami jurisprudence, the principles governing its criminal policy can play an important role in reducing crimes and stabilizing national security. Therefore, we seek to examine the principles governing the criminal policy of Imami jurisprudence in order to reduce crime and delinquency and stabilize national security. The findings of this research, conducted with the analytical-descriptive method, indicate that there is a significant relationship between components such as the development of education and training, preventive measures, attention to decriminalization, respect for privacy, and the restoration of the human dignity of criminals. If these principles are observed and institutionalized in the criminal laws, crimes will be reduced and the national security factor will be improved.

**Keywords:** Principles, Criminal Policy, Imami Jurisprudence, Crime, National Security.

- 
1. This article is taken from: Zeyn al-Abedin Golsanamlu, "Jurisprudential and Legal Foundations of Criminalizing Actions against National Security", 2020, PhD Thesis, Supervisor: Rahim Wakilzadeh, Islamic Azad University, Tabriz Branch, Tabriz, Iran.
  2. PhD Student in Jurisprudence and Fundamentals of Law and the Thought of Imam Khomeini, Islamic Azad University, Tabriz Branch, Tabriz, Iran, rgho4991@gmail.com.
  3. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Islamic Azad University, Tabriz Branch, Tabriz, Iran (Corresponding Author), rahimvakilzadeh@gmail.com.
  4. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Islamic Azad University, Tabriz Branch, Tabriz, Iran, r\_ranjbar4@yahoo.com.

## نقش اصول حاکم بر سیاست جنایی فقه امامیه در کاهش جرائم و ثبات امنیت ملی<sup>۱</sup>

زین العابدین گل صنم لو<sup>۲</sup>  
رحیم وکیل زاده<sup>۳</sup>  
رضارنجبر<sup>۴</sup>

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۰۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۰۳]

### چکیده

در همه نظام‌های حقوقی تلاش بر این است که جرائم و بزهکاری را کاهش دهند و امنیت ملی جامعه متبوع را ارتقا بخشند، اما اینکه این هدف با چه سیاست و راهکارهایی تأمین می‌شود، هر نظام حقوقی ویژگی‌های خویش را دارد. در نظام حقوقی فقه امامیه، اصول حاکم بر سیاست جنایی اش می‌تواند در کاهش جرائم و ثبات امنیت ملی، نقش مهمی ایفا کند. از این رو در صددیم اصول حاکم بر سیاست جنایی فقه امامیه را به منظور کاهش جرم و بزهکاری و ثبات امنیت ملی بررسی کنیم. یافته‌های تحقیق با روش تحلیلی و توصیفی، حاکی از آن است که میان مؤلفه‌هایی چون توسعه تعلیم و تربیت، اقدامات پیش‌گیرانه وضعی، توجه به قضازدایی و کیفرزدایی، رعایت حریم خصوصی، و احیای کرامت انسانی بزهکار رابطه معناداری وجود دارد و در صورت رعایت و نهادینه شدن این اصول در قوانین جنایی، جرائم کاهش می‌یابد و ضریب امنیت ملی ارتقا پیدا می‌کند.

**کلیدواژه‌ها:** اصول، سیاست جنایی، فقه امامیه، جرم، امنیت ملی.

۱. برگرفته از: زین العابدین گل صنم لو، مبانی فقهی و حقوقی جرم‌انگاری اقدام علیه امنیت ملی، پایان نامه دکتری، استاد راهنما: رحیم وکیل زاده، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز، تبریز، ایران، ۱۳۹۹.

۲. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق و اندیشه امام خمینی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز، تبریز، ایران  
Rgho4991@gmail.com

۳. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز، تبریز، ایران (نویسنده مسئول)  
rahimvakilzadeh@gmail.com

۴. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز، تبریز، ایران  
r\_ranjbar4@yahoo.com

## مقدمه

بزهکاری و انحراف پدیده‌ای است که بشر از روزی که پا به عرصه گیتی گذاشت، همواره با آن مواجه بوده است. آنچه‌آن که در آیات مربوط به خلقت حضرت آدم (ع) و فرزندان ایشان آمده است. هر مکتبی به تناسب مبانی نظری و هنجارهایش، راهکارهای متنوعی برای مقابله با جرم و آسیب‌های اجتماعی مطرح کرده است. مطالعات حقوقی حاکی از آن است که جوامع بشری در این راه عمدتاً از مجازات، آن هم از انواع شدیدش بهره جسته‌اند؛ اما به اعتراف خودشان این رویکرد و تدابیر تکمیلی بعدی موفقیت چشمگیری در مهار جرائم نداشته است. نگاهی گذرا به مبانی و منابع فقه امامیه حاکی از تبعیت سیاست جنایی آن از اصول و مبانی خاصی است که آن را از سایر نظام‌های حقوقی متمایز می‌کند که در آن اولویت با راهکارهای غیرکیفری و ترجیحاً اجتماعی است. در بُعد کیفری نیز گرایش گسترده و بی‌رویه به مجازات، به ویژه با اعمال خشن، نداشته (مگر در مواردی محدود و با شرایط اثبات و اجرای سخت)، بلکه با تدوین سیاستی هدفمند در صدد کاهش آمار بزهکاری است تا ضمن کاهش آسیب‌های اجتماعی، زندگی توأم با آرامش و امنیت را برای بشر فراهم کند. مسئله اصلی مقاله این است که: نقش اصول حاکم بر سیاست جنایی فقه امامیه در کاهش جرائم و ثبات امنیت ملی چیست؟ آنچه نگارش این تحقیق را ضروری کرده از یک سو افزایش بی‌رویه جرم و بزهکاری در جامعه به علت فاصله گرفتن از آموزه‌های اصیل و حیانی است، و از سوی دیگر پیروی از سخنان مقام معظم رهبری در جهت بومی‌سازی علوم انسانی (از جمله حقوق) با توجه و تکیه به منابع غنی دینی است. از اهداف این مقاله می‌توان به تبیین هرچه بیشتر مؤلفه‌های تأثیرگذار نشئت گرفته از سیاست جنایی فقه امامیه در کاهش جرائم و ثبات امنیت به منظور نهادینه شدن آنها در بین افراد و نیز انطباق هر چه بیشتر قوانین موضوعه با این مؤلفه‌ها برای دستیابی به جامعه قانونمند اشاره کرد.

طبق بررسی انجام شده، تاکنون اثر پژوهشی منسجم و مستقلی در این باره انجام نشده یا قابل احصاء نیست. امادو کتاب مبانی سیاست جنایی حکومت اسلامی، تألیف سید جلال‌الدین قیاسی (۱۳۸۵)، و سیاست جنایی تألیف سید محمد حسینی (۱۳۸۳) و نیز مقاله «امنیت‌گرایی سیاست جنایی» اثر فاطمه قناد و مسعود اکبری (۱۳۹۶) و پایان‌نامه با عنوان «اصول حاکم بر سیاست جنایی اسلام در قبال جرائم منافی عفت» به قلم فاطمه مهدی پور (۱۳۸۹) مرتبط با این بحث است. اغلب این آثار، به رغم اینکه ارزش علمی وافر دارد، بیشتر، مبانی سیاست جنایی حکومت اسلامی و قلمرو آن و نیز قابلیت ارزیابی احکام شرعی با یافته‌های علمی را بیان کرده یا ضمن تحلیل سیاست جنایی و مدل‌های رایج آن به تبیین ویژگی‌های سیاست جنایی اسلام و تشریح برخی از اصول آن بسنده کرده است. گاهی هم کنکاش این موضوع در جرائم خاص (منافی عفت) مد نظر بوده و در برخی دیگر به جهت تشدید نگاه مادی به انسان بر اتخاذ پاسخ‌های صرفاً کیفی سرکوبگر تأکید شده است. در حالی که در تحقیق حاضر کوشیده‌ایم در حد توان، ضمن بیان برخی از مهم‌ترین اصول حاکم بر سیاست جنایی فقه امامیه، نقش آنها در کاهش جرائم و ارتباط آن با تأمین و تثبیت امنیت ملی را تشریح کنیم.

## ۱. مفهوم‌شناسی

فهم دقیق هر موضوع بدون شناخت مفاهیم اصلی، کاری ناقص است. لذا در این بخش مهم‌ترین مفاهیم مرتبط با موضوع را ایضاً مفهومی می‌کنیم.

### ۱.۱. اصل

واژه «اصل» که جمع آن «اصول» است، در لغت به معانی متعددی از جمله «ریشه، سرچشمه، شالوده، اساس، پی و پایه» (ابن منظور، ۱۴۱۶: ۱۶/۱) اطلاق می‌شود؛ و در اصطلاح عالمان علم اصول و فقیهان به معنای «رجحان، دلیل، قاعده، مقابل فرع و اصل عملی به

عنوان یکی از اصول چهارگانه علم اصول فقه» (حکیم، ۱۴۱۸: ۳۵) به کار می‌رود. مفهوم این واژه «در اصطلاح حقوق دانان نیز به مفهوم اصطلاحی رایج در بین اصولیین و فقها نزدیک می‌باشد» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۵: ۴۸).

### ۲.۱. سیاست جنایی

«سیاست جنایی»، ترکیبی از دو واژه «سیاست» و «جنایی» است. واژه «سیاست» به معنای «تدبیر، سرپرستی شخص یا گروهی و حرکت در جهت اصلاح امری» (ابن منظور، ۱۴۱۶: ۱۰۸/۳) به کار رفته است. «جنایی»، وصفی است که از افزودن «ی» به واژه عربی «جنایة» به وجود آمده و اغلب به معنای «ارتکاب گناه و تبهکاری» (عمید، ۱۳۷۷: ۴۷۱) استعمال شده است. برای «سیاست جنایی» در اصطلاح معانی متعددی ذکر شده است؛ از باب نمونه، گروهی از آن به عنوان «هنر و فن یاد کرده که موضوع آن کشف روش‌هایی است که مبارزه مؤثر علیه جرم را میسر می‌سازد» (لازرز، ۱۳۸۱: ۱۲). با ظهور مکاتب فلسفی و کیفری مفهوم «سیاست جنایی» دچار تحول شده و در آن بر استفاده از تمامی روش‌ها و ابزارها، خصوصاً روش‌های تربیتی و اخلاقی، به جای استفاده صرف از اقدامات سرکوبگرانه تأکید شده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۵: ۲۶).

### ۳.۱. جرم

واژه «جرم» در لغت به معنای «گناه، ذنب، تعدی، بزه و عصیان» (عمید، ۱۳۷۷: ۱۴) آمده است؛ و در اصطلاح حقوق کیفری به «فعل یا ترک فعلی گفته می‌شود که برای آن مجازات تعیین شده باشد» (هاشم بیگی و نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۷: ۴۲). از دیدگاه حقوق دانان اسلام جرم عبارت است از «محظورات شرعی که خداوند به وسیله کیفر حدّ یا تعزیر از آن منع نموده است» (عمید زنجانی، ۱۳۸۴: ۱۲۳).

#### ۱.۴. امنیت

این کلمه از واژه «أَمَنَ» به معنای آسایش، سلامتی، ایمنی، بی‌خطری و آرامش است (عمید، ۱۳۷۷: ۳۲۶). در اصطلاح فقه سیاسی به معنای «مصون بودن از تعرض و تصرف اجباری بدون رضایت است و در مورد افراد به این معناست که فرد هراس و بیمی نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع خود نداشته باشد و هیچ عاملی آنها را تهدید ننماید» (عمید زنجانی، ۱۳۸۴: ۲۵۷). در تعریف «امنیت ملی» گفته‌اند ملت زمانی امنیت دارد که در صورت اجتناب از جنگ در معرض قربانی‌کردن ارزش‌هایش نباشد و در صورت بروز جنگ بتواند با پیروزی در آن ارزش‌هایش را پاس بدارد. این مفهوم در گفتمان سلبی و ایجابی مطرح است که منظور از بُعد سلبی، پاسداری از سرزمین، حاکمیت و مردم در مقابل تهدیدهای دشمنان کشور است، در مقابل بُعد ایجابی که بر حفظ منافع ملی و کسب فرصت‌ها برای توسعه و پیشرفت دلالت دارد (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۷: ۷۴).

#### ۲. امنیت در قواعد و احکام فقهی

بی‌تردید یکی از عناصر مهم برای تعالی و ترقی جامعه، امنیت و تأمین آرامش در جامعه است. قرآن یکی از اهداف استقرار حاکمیت خدا و استخلاف صالحان را تحقق امنیت معرفی کرده (نور: ۵۵) و از شهری که از نعمت امنیت برخوردار باشد به عنوان سرزمین آرمانی یاد کرده است (نحل: ۱۱۲). در روایات نیز از امنیت به عنوان «یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی یاد شده که امکان شکرگزاری آن ممکن نیست» (مجلسی، ۱۳۷۹: ۱۳۱/۱۹). این موضوع در احکام و مقررات اسلام از حساسیت خاصی برخوردار بوده و با عوامل تهدیدکننده‌اش مقابله جدی شده است، که در ادامه به پاره‌ای از آنها اشاره می‌کنیم. الف. اگر در اسلام با محارب رفتار قاطعی شده است (مأئده: ۳۳-۳۴)، به سبب آن است که محارب امنیت سیاسی، اجتماعی، فکری و دینی مردم و در یک کلمه

امنیت ملی را تهدید، و جامعه را دچار هرج و مرج می‌کند. حال آنکه تثبیت امنیت ملی مرهون نهادینه شدن آرامش در جامعه است و بر عکس «اجتماع بی بهره از انسجام و امنیت ملی، بستر مساعدی برای رویش و رشد عوامل امنیت زدا می‌باشد» (موسوی خمینی، ۱۳۶۱: ۱۴۶/۱۸).

ب. رویکرد فقه امامیه راجع به مرتد نیز از همین سنخ است؛ زیرا ارتداد در جامعه نوعی بی‌ثباتی و فقدان امنیت ایجاد می‌کند؛ به عبارت دیگر، در نظام اسلامی، دین و اعتقادات بشریکی از مهم‌ترین مقوله‌های زندگی انسان‌ها محسوب می‌شود و هدف از تشکیل حکومت نیز عینیت بخشیدن به دین است و ارتداد در واقع به معنای بی‌اعتنایی به این مقوله غنی و معنوی بشری است که موجبات شک و شبهه در بین مسلمانان را فراهم می‌آورد. همچنین، اقدام قانون‌گذار اسلامی در «جرم دانستن توهین به مقدسات به منظور جلوگیری از جریحه دار شدن احساسات عمومی از طریق نادیده گرفتن ارزش‌های دینی و در نتیجه اخلال در نظم عمومی جامعه» (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۷: ۱۸۶) مؤید این رویکرد است.

ج. صیانت از آبرو به معنای حفظ همه آن چیزی است که انسانیت انسانی را تشکیل می‌دهد. از نظر آموزه‌های دینی، حفظ شخصیت و کرامت انسانی مهم‌ترین چیز در امنیت خرد و کلان اجتماع است و «حفظ و حرمت آن به معنای حرمت جان و مال مسلمین است» (مجلسی، ۱۳۷۹: ۳۱۱/۱۸)؛ بنابراین، در فقه امامیه ارزش امنیت و لزوم مقابله با هرگونه اقدام علیه امنیت ملی در راستای محافظت از مقاصد شریعت است و نگارش کتبی چون *علل الشرائع*، اثبات *العلل* و مقاصد *الشریعة* حاصل این حساسیت و نشانگر تبعیت احکام اسلامی از مصالح و مفاسد است که حیات انسان‌ها و قیام اجتماع انسانی متوقف بر این مصالح است، به گونه‌ای که اگر این مصالح تقویت نشود نظام اجتماعی مختل شده، هرج و مرج بر جامعه حاکم می‌شود.

### ۳. سیاست جنایی فقه امامیه

مقابله با بزه زمانی موفقیت آمیز است که در قالب سیاستی هدفمند، جامع‌نگر و واقع‌گرایانه باشد. از زمان پیدایش حقوق، دین و اعتقادات منبع عظیمی برای آن محسوب می‌شد و قانون‌گذاران می‌کوشیدند تا حد ممکن راه حل معضلات اجتماعی را از درون نظام شرعی بیابند و در قالب قانون عرضه کنند. حتی دکترین حقوقی هم بارها برای تفسیر و شرح مواد قانونی به دامن فقه پناه برد. فقه امامیه، به ویژه در حوزه فقه جزایی، در زمان حکومت امام علی (ع) قرن‌ها قبل از مطرح شدن دیدگاه‌های جرم‌شناسی، از تمامی اصول حقوقی عرفی در زمینه موضوعاتی همچون پیش‌گیری، بازپروری، قانونمندی، مداخله حداقل حقوق کیفری و توجه ویژه به کرامت انسانی در مقابله با بزه و آسیب‌های اجتماعی برخوردار بوده است. این بیانگر آن است که فقه و گفتمان فقهی دارای متعلقی به نام «شریعت» است که در آن فقها و علمای دین عهده‌دار بیان برنامه و روش اسلام در تمام جنبه‌های زندگی بشر بوده‌اند. این رویکرد در فقه امامیه به سبب پیوند جاودانه قرآن با عترت در پاسخ‌گویی به نیازها و مسائل جدید مسلمانان و جامعه اسلامی، نمود چشمگیری داشته است.

#### ۱.۳. مؤلفه‌های تأثیرگذار بر کاهش جرائم در سیاست جنایی فقه امامیه

بر اساس پژوهش‌های تاریخی، تأثیر دین و محیط‌های مذهبی و آداب و رسوم آن در کاهش جرائم و به تبع آن در سلامت روانی افراد و جامعه انکارناپذیر است. «هنگامی که تعالیم الهی مبنای حقوق باشند و نورانی ساختن جامعه هدف آن گردد، آنگاه خود به خود زیرساخت داخلی آن نظام برتر جلوه می‌نماید که خود برخاسته از برتری چنین نظام حقوقی در زیرساخت‌های فاعلی و غایی می‌باشد» (جوادی آملی، ۱۳۷۷: ۲۴۳). این مؤلفه‌ها نوعاً در دو بُعد غیرکیفری و کیفری مطرح بوده که در ادامه به آنها می‌پردازیم.



### ۱.۱.۳. مؤلفه‌های غیرکیفری

در فقه امامیه برای مقابله با جرم و عوامل جرم‌زا، بیشترین اتکا بر راهبردهای غیرکیفری و ترجیحاً اجتماعی است. این نشئت گرفته از مباحث هستی‌شناختی، به‌ویژه انسان‌شناسی، است که مستلزم نگرش متفاوت به انسان در مقایسه با سایر موجودات، و منطبق با خصوصیات فطری اوست که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

#### ۱.۱.۱.۳. توسعه تعلیم و تربیت

رشد و پیشرفت پایدار صرفاً با رفتار آگاهانه و ارادی امکان‌پذیر است. واضح است که تا علم و معرفت نباشد میل و اراده به سوی کمال حاصل نمی‌شود. رفتار مجرمانه می‌تواند نمایانگر یکی از مصادیق ناآگاهی باشد که موجب تنزل حرمت و منزلت انسانی می‌شود و او را به سوی رذایل اخلاقی راه می‌برد. فقدان معرفت، و جهل ریشه بسیاری از جرائم فردی و اجتماعی نظیر قتل فرزندان، ارتباط جنسی خارج از ضوابط اخلاقی، می‌گساری و غیره محسوب می‌شود؛ رفتارهای جاهلانه‌ای که از آنها نهی شده و جرم‌انگاری شده‌اند. در این زمینه، یکی از راه‌های مقابله با جرم و گناه، مبارزه با جهل و نادانی از طریق نشر تعلیمات اخلاقی برای تهذیب نفس و تعدیل تمایلات و غرایز انسانی است. تعلیم و تربیت در منطق قرآن، آموزش معلومات به متربی از طریق برانگیختن استعدادهای او در راستای دست‌یابی به کمال است (جمعه: ۲). این رویکرد از اقدامات اساسی پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) نیز در مقابله با مفاسد بوده است. تلاش در جهت تربیت انسان مؤمن یکی از مهم‌ترین روش‌های مؤثر در کاهش آسیب‌های اجتماعی است، قبل از اینکه قلب انسان تیره شود و فکرش به امور باطل مشغول گردد؛ چراکه فرد «مؤمن کسی است که جان و مال و آبروی مردم از دست او در امان باشد» (مجلسی، ۱۳۷۹: ۶۷/۶۰). چنین کسی به دژ محکمی به نام ایمان دست یافته و با نهادینه کردن خودمراقبتی در وجودش هرگز به رفتارهای ستمگرانه

و بزهکارانه اقدام نمی‌کند. بنابراین، تعلیم و تربیت از جنبه‌های مختلف می‌تواند در کاهش جرائم مفید واقع شود (حجتی، ۱۳۷۷: ۲۵). این رویکرد کمک شایانی به نظم و امنیت جامعه خواهد کرد؛ بدین صورت که از یک سو افراد جامعه «از طریق درونی‌سازی هنجارها و ارزش‌ها به تغییر رفتارهای فردی و اجتماعی مبادرت نموده و مسیر منطقی را جهت برآوردن نیازهای فطری خویش انتخاب می‌نمایند» (جوادی آملی، ۱۳۷۷: ۱۰۳). از سوی دیگر، مسئولان جامعه بهترین شیوه‌های تربیتی را در رشد و تعالی اخلاقی و فرهنگی جامعه، به‌ویژه جوانان، اتخاذ می‌کنند (نحل: ۱۲۵). نتیجه این رویکرد تحقق نظام هنجاری است که باعث افزایش انقیاد مردم از قوانین موضوعه به دلیل آگاهی از مبانی وضع آنها و نیز ارتقای ضریب امنیتی جامعه خواهد شد.

### ۲.۱.۱.۳. اقدامات پیش‌گیرانه وضعی

پیش‌گیری از جرم به عنوان اقدامات تکمیلی در کنار مجازات‌ها به دلیل اینکه بهتر، راحت‌تر و کم‌هزینه‌تر از درمان است، همواره محل توجه اندیشمندان و مکاتب حقوقی بوده است. «اقدامات وضعی به تدابیر و شیوه‌هایی اطلاق می‌گردد که در صدد کاستن از جاذبه‌های مجرمانه و عوامل تحریک‌کننده محیطی است تا بهای ارتکاب عمل مجرمانه را برای مرتکب بیش از سود حاصل از آن جلوه‌گر نماید و بدین ترتیب از گذار فرد از اندیشه به عمل مجرمانه جلوگیری نماید» (ذوالقدر و توکل پور کوخدان، ۱۳۹۴: ۷۴). اولین رگه‌های پیش‌گیری قرآنی در ابتدای خلقت بشری و در ماجرای فرزندان حضرت آدم (ع) نمود یافت، آنجا که هابیل دو علت برای مبادرت نکردنش به قتل قابیل مطرح می‌کند: یکی ترس از خدا و دیگری عدم ارتکاب به گناه و گرفتار شدن در آتش جهنم (مائده: ۲۷-۳۱). سیاست جنایی فقه امامیه برای پیش‌گیری از جرم در کنار مسائل تربیتی و آموزشی، از تدابیر وضعی نیز در حد متعارف خویش بهره‌جسته تا جایی که جامعه به سوی محیطی تصنعی پیش

نرود. فقها در تبیین این رویکرد از تعبیر «دفع المنکر» یاد کرده و آن را از «نهی از منکر» تفکیک کرده‌اند، چنانچه می‌خوانیم: «معنای دفع منکر، ناتوان کردن مرتکب از انجام عمل مجرمانه و ایجاد آن در خارج است. خواه به اختیار خود دست از عمل مجرمانه بکشد یا از انجام عمل منصرف نشود. در حالی که نهی از منکر چیزی جز منع کردن و بازداشتن طبق مراتب مقرر در شرع نیست» (خویی، ۱۴۱۳: ۱۸۱/۱).

### الف. مقابله با فقر

یکی از مصادیق این اقدامات مقابله با فقر است. بر این اساس، تمامی افراد جامعه باید در تأمین نیازهای اولیه معیشتی در وضعیت اقتصادی مطلوب و مناسب شرافت و کرامت انسانی‌شان باشند تا رفاه اجتماعی برقرار شود. زیرا تجربه اثبات کرده است که «سهم قابل توجهی از آمار جرائم، ناشی از فقر و محرومیت‌های مادی می‌باشد؛ به عبارت دیگر، فقر می‌تواند منشأ سوق دادن فرد محروم از حداقل امکانات زندگی به سوی بزهکاری گردد» (زاهدی اصل، ۱۳۸۱: ۱۱۶). از سوی دیگر، وظیفه مسئولان جامعه اسلامی است تا با توزیع عادلانه امکانات رفاهی و تأمین درمان و بهره‌وری‌های اقتصادی با مظاهر فقر و جمع‌آوری نامشروع ثروت مقابله کنند تا از یک طرف مانع افزایش تضاد طبقاتی در جامعه و تقابل دو قطب فقیر و غنی شوند و از طرف دیگر مانع شیوع کفر و بی‌اعتقادی در بین مردم گردند. بدیهی است که هر دو جنبه مذکور (تقابل فقیر و غنی و شیوع بی‌اعتقادی) از مهم‌ترین عوامل افزایش جرم و جنایت، فاصله‌گرفتن از ارزش‌های اخلاقی و گسترش فساد و ناامنی محسوب می‌شود (ستوده، ۱۳۸۴: ۴۱). زیرا بر اساس یافته‌های جامعه‌شناسی بین رفاه اجتماعی و احساس امنیت رابطه مستقیم وجود دارد. امروزه اکثر مردم بیشتر از ناحیه نگرانی‌های مرتبط با زندگی روزمره احساس ناامنی می‌کنند تا ترس از وقوع نوعی حادثه فاجعه‌آمیز جهانی؛ بنابراین، در راستای تأمین رفاه اجتماعی، وظیفه اخلاقی دولت، حفظ

امنیت و ایجاد اعتماد عمومی به کارکردهای جامعه در جهت حفظ منافع یکایک افراد جامعه است. بی‌تردید «رفاه اجتماعی زمانی اتفاق می‌افتد که فقر و نشانه‌های آن از جامعه زدوده شوند و عدالت اجتماعی تحقق یابد؛ زیرا زمانی که عدالت بُعد اجتماعی به خود گیرد، احساس امنیت و رفاه در افراد جامعه رو به پایداری می‌رود» (یزدانی، ۱۳۸۲: ۳۴).

### ب. لزوم توجه به نظارت اجتماعی

یکی از راه‌های پیشگیری از وقوع جرم در آموزه‌های دینی، نظارت عمومی مردم بر رفتار یکدیگر با هدف بازداشتن از ارتکاب جرم است. به عبارت دیگر، در نظام اجتماعی اسلام، افراد در مقابل یکدیگر صاحب حق و تکلیف‌اند و سرنوشت فرد و جامعه در سطحی عمیق‌تر به هم گره خورده و مصالح و مفاسدشان به هم پیوسته است. اگر این فرهنگ بر جامعه حاکم شود، ستیز بین مجرم و دستگاه قضا معنایی ندارد. چنانچه به گواهی تاریخ در صدر اسلام نمونه‌هایی وجود دارد که «فرد مرتکب گناه، خود مراجعه کرده و با اقرار به آن خواهان مجازات می‌شد تا از این آلودگی پاک شود» (مجلسی، ۱۳۷۹: ۱۷/۳۰). یکی از بهترین راه‌های تحقق این کار فریضه امر به معروف و نهی از منکر است که در آن، امر به معروف ناظر به تلاش‌هایی است که از طریق بهبود بخشیدن به شرایط، زمینه‌های انحراف تقلیل می‌یابد؛ و نهی از منکر بیانگر اقداماتی است که برای ممانعت از وقوع رفتارهای ناپسند و تنش‌زا در جامعه صورت می‌گیرد (قماش، ۱۳۹۳: ۲۳۵). به عبارت دیگر، امر به معروف و نهی از منکر بیانگر آن است که جامعه در مقابل قانون‌شکنی دیگران بی‌توجه نبوده و در صدد خودوآپایشی است، به‌ویژه اگر این رویکرد «از سوی رؤسای دین تحقق یابد و عملی شود، موجبات سوق دادن مردم به اخلاق نیکو و ترک محرمات خواهد بود؛ خصوصاً اگر توأم با پند و اندرز و تشویق و هشدار بوده باشد» (نجفی، ۱۴۰۰: ۲۱/۳۸۲). از دیگر مصادیق این تدابیر پیش‌گیرانه وضعی در احکام فقهی می‌توان به عفاف و حجاب

زنان، حفظ اموال و لزوم قرارداد آنها در حرز مناسب و در خصوص محدود کردن ابزار ارتکاب جرم به ممنوعیت فروش سلاح به مجرمان، حرمت فروش انگور برای تهیه شراب و غیره اشاره کرد. در خاتمه باید گفت پیش‌گیری از جرم در نظام‌های حقوقی غربی نوعاً با به‌کارگیری و تکیه بر اقدامات مادی است، در حالی که نظام حقوقی برگرفته از فقه امامیه در کنار عوامل مادی به جنبه‌های معنوی هم توجه ویژه دارد (مرعشی، ۱۳۷۳: ۴۳).

یکی از اهداف اساسی امنیت در هر کشوری حفاظت از ارزش‌های محوری آن جامعه است؛ بنابراین، «انحرافات اجتماعی به مفهوم رفتارهای ناهم‌نوا با ارزش‌های اجتماعی می‌تواند به عنوان یک مسئله امنیتی تلقی گردد. هرچند ایجاد جامعه‌ای عاری از انحرافات ناممکن است، لیکن می‌توان آنها را در جامعه مهار و کنترل نمود. یکی از این راه‌ها توجه و توسل به نظارت اجتماعی است که نتیجه آن هم‌نوایی افراد با هنجارها و ارزش‌های جامعه می‌باشد» (ستوده، ۱۳۸۴: ۱۳۵). چنین جامعه‌ای از سرمایه اجتماعی غنی برخوردار است. سرمایه اجتماعی در سطح کلان، بیانگر ویژگی‌های جامعه یا گروهی در اجتماع است که توانایی سازمان‌دهی جمعی و داوطلبانه برای حل مشکلات متقابل یا مسائل عمومی را افزایش می‌دهد. دولت‌ملت‌های معاصر، پایداری و ثبات امنیت ملی‌شان را از طریق انباشت چنین سرمایه اجتماعی‌ای تأمین می‌کنند؛ زیرا پایداری امنیت نیازمند افزایش روحیه جمعی، حمایت و کنش مند بودن افراد و گروه‌ها است (عباس‌زاده و کرمی، ۱۳۹۰: ۵۴).

### ۲.۱.۳. مؤلفه‌های کیفی

هرچند در فقه پویای امامیه ندرتاً در برخی جرائم، مجازات‌های سنگین با شرایط اثبات و اجرای بسیار دشوار پیش‌بینی شده، اما در بخش اعظم جرائم و آسیب‌های اجتماعی از نوعی سیاست کیفری منعطف و غایت‌مدار تبعیت شده که در صورت نهادینه شدن می‌تواند آثار ارزنده‌ای در کاهش جرائم در پی داشته باشد. در ادامه، برخی را بررسی می‌کنیم.

### ۱.۲.۱.۳. قضا‌زدایی

حل و فصل دعاوی ناشی از جرائم کیفری معمولاً در صلاحیت مقامات قضایی است. «قضا‌زدایی» اصطلاحاً به معنای خارج کردن عملیات مربوط به رسیدگی و حل و فصل دعاوی مزبور از گردونه اقدامات رسمی است؛ به عبارت دیگر، «این موضوع به خودداری یا ادامه ندادن به رسیدگی کیفری یا توسل به تدابیر غیرکیفری در مواردی که نظام عدالت کیفری صالح به رسیدگی است، اطلاق می‌گردد» (هاشم بیگی و نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۷: ۷۷). هدف این رویکرد آن است که به جای توسل به دستگاه رسمی عدالت کیفری در حل و فصل دعاوی، این کار به عهده سایر سازمان‌های مدنی و اجتماعی گذاشته شود. زیرا باعث می‌شود ارتباط فرد با دستگاه جزا و مجرمان، به ویژه مجرمان خطرناک در زندان به صفر یا حداقل برسد؛ این کار از دو جهت باعث کاهش آسیب‌های اجتماعی می‌شود: یکی از طریق جلوگیری از زدن برچسب بزهکاری به افراد بیشتری از جامعه و دیگری زندگی توأم با آرامش سایر افراد جامعه که به واسطه برخی خطاها و اشتباهات کوچک هنوز برچسب بزهکاری دریافت نکرده‌اند؛ نظیر بسیاری از جرم‌انگاری‌هایی که در حوزه ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی صورت گرفته و بیم آن می‌رود که دستگاه قضا را به دستگاهی جرم‌ساز و مجرم‌ساز تبدیل کند (کلارکسون، ۱۳۷۱: ۲۳۵). در حالی که می‌توان با اغماض از خطاهای کوچک مانع این آثار زیانبار شد. بر این اساس، به قاضی اختیار داده می‌شود گاه به منظور رعایت مصالح فردی مرتکب یا بزه‌دیده یا مصالح اجتماعی و با رعایت ضوابط خاص در جرائم کوچک و کم‌اهمیت از تعقیب صرف نظر کند، و حتی مجرم را از اقرار به جرم منع کرده، یا او را به عدول از اقرار تلقین کند تا شاید مجرم به پاس این گذشت به خود آید و از تبه‌کاری و کج‌روی دست بردارد. چون «کیفر در تمام مراتبش خصوصیت ایذا و اهانت دارد و شخصیت فرد مرتکب جرم را متأثر می‌کند و ای بسا شخصی که به وسیله کیفر متعدد

پست و بی مقدار شود، خود را از ارتکاب هر زشتی نکوهش نخواهد کرد» (جزیری، ۱۴۰۶: ۱۳۱). این کار نوعاً راجع به کسانی پیش بینی شده که فاقد سابقه کیفری باشند و مرتکب لغزش های کوچک شوند. لحاظ کردن شرایط سخت و سنگین برای اثبات برخی از جرائم نظیر زنا و اجرای حد آن نیز همگی حاکی از بزه پوشی و قضازدایی در فقه امامیه است. یکی از ادله استناد به این مطلب حدیث نبوی است که فرمودند: «اجرای حدود را در موارد شبهه رها و از لغزش های افراد وارسته و شرافتمند درگذرید، مگر در حدی از حدود الهی» (حکیم، ۱۴۱۸: ۶۲). چنین بینشی موجب کاهش کنترل اجتماعی افراد و نیز تقلیل تعداد مرتکبان آسیب های اجتماعی می شود (کلارکسون، ۱۳۷۱: ۲۴۸). تعقیب کیفری امری دوسویه است؛ از یک طرف با حقوق و آزادی های افراد مرتبط است و از سوی دیگر با نظم و امنیت عمومی در ارتباط است؛ بنابراین، از مسائل مهم تضمین امنیت ملی در هر جامعه ای تلاش برای کاهش تعقیب کیفری است. از طرق حصول این امر، توجه به قضازدایی و بزه پوشی در منابع دینی است که آثار ارزشمندی دارد از جمله: کاهش نارضایتی عمومی به دلیل کاهش فرآیند رسیدگی و رفتار قضایی، کاهش هزینه های خدمات پیراقضایی برای اصحاب دعوا، ممانعت از عادی انگاری جرم در جامعه، کاهش سیاهه جرائم و جمعیت زندان ها (جمشیدی و نوریان، ۱۳۹۲: ۱۶۱). بدیهی است که امور یادشده از عوامل مهم تأثیرگذار در برقراری نظم و امنیت جامعه است. از دیگر مصادیق آن، حکمیت و توافق طرفین در دعاوی خانوادگی، تشویق طرفین به صلح و رفع مخاصمات از راه میانجی گری است (جزیری، ۱۴۰۶: ۱۳۴).

### ۲.۲.۱.۳. کیفرزدایی

«کیفرزدایی» همان «جرم زدایی» به نحو ناقص است و به فرآیندهای رهایی بخشی یک یا چند شخص در معرض مجازات، از تحمل کیفر اطلاق می شود. این اصطلاح به معنای

آن است که وصف «کیفری» از جرمی زدوده شود یا به نحوی تلطیف گردد؛ به بیان دیگر، «این امر به معنای سستی واکنش اجتماعی است که از طریق ترک شیوه کیفری صرف یا تعدیل نمودن آن یا جایگزین کردن شیوه‌های دیگری که از رنج کمتر و تأثیر بیشتر برخوردارند، حاصل شود» (آنسل، ۱۳۹۵: ۱۱۷). این کار در معنای وسیع‌تر ناظر به همه شکل‌های تراکم‌زدایی در حوزه نظام کیفری است که یکی از راهکارهای کاهش مداخله حقوق کیفری قلمداد می‌شود. با این توضیح که با حفظ وصف مجرمانه بودن، امکان تغییر وصف یک جرم از «جنایت» به «جنحه» و نیز تبدیل مجازات‌ها به پاسخ‌های غیرکیفری یا پاسخ‌های کیفری خفیف‌تر وجود دارد (هاشم بیگی و نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۷: ۷۷) که نوعاً با هدف بازدارندگی از ارتکاب مجدد جرم و اصلاح مجرمان صورت می‌گیرد. از جمله مصادیق کیفرزدایی در این خصوص می‌توان به توبه مرتکب اشاره کرد؛ زیرا توبه یکی از نهادهایی است که برای بهره‌مندی از محاسن دفع مجازات و گریز از پیامدهای منفی آن تشریح شده و اغلب باعث سقوط حدّ است و حتی متهم را از محاکمه می‌رهاند (نجفی، ۱۴۰۰: ۴۱/۴۷۷). این کار عامل بسیار مهمی در اصلاح بازپروری اکثریت افرادی است که بدون سوء نیت قبلی و نیز بدون سابقه سوء کیفری و فقط به سبب قرارگرفتن در فضایی مجرمانه، مرتکب جرم می‌شوند؛ زیرا بدون تردید «مؤثرترین راه به منظور نیل به اهداف حقوق جزا، اقدامات داوطلبانه‌ای است که مجرم بدون احساس اعمال فشار از خارج، برای ترمیم آثار جرم ارتكابی و تغییر مسیر زندگی و اصلاح خویش انجام می‌دهد» (صادقی، ۱۳۹۲: ۱۵۴).

یکی از مشکلات اساسی نظام‌های حقوقی که در بُعد وسیع‌تری قلمرو امنیت در همه ابعادش را نیز تحت‌الشعاع قرار می‌دهد، «تورم قوانین کیفری» است؛ منظور از این اصطلاح، تصویب بدون ضرورت مقررات کیفری و قطورکردن بی‌رویه مجموعه قوانین جزایی با جرم‌انگاری‌های جدید است (کلارکسون، ۱۳۷۱: ۲۸۶)؛ رویکردی که بیم آن



می‌رود در صورت تداوم، موجب بی‌اعتمادی به قانون و افزایش هرج و مرج شود و ارکان جامعه، از جمله امنیت ملی، را با مشکل جدی مواجه کند. از راهبردهای مؤثر فقه امامیه در ممانعت از شیوع چنین بحرانی، توجه به کیفرزدایی در راستای محدودکردن مداخله حقوق کیفری در روابط اجتماعی افراد است که از مبانی آن می‌توان به اصل برائت اشاره کرد (مرعشی، ۱۳۷۳: ۱۷۶).

### ۳.۲.۱.۳. رعایت حریم خصوصی

حریم خصوصی به معنای محدوده خاص هر شخص است که دیگران نمی‌توانند در آن وارد شوند یا متعرض آن گردند. این موضوع از نظر فقهی با عنوان «الناس مسلطون علی اموالهم و انفسهم» (نجفی، ۱۴۰۰: ۱۳۸/۲۴) تعبیر شده است. بنابراین، برخی از قوانین کیفری نظیر ورود به منازل دیگران بدون اذن صاحب آن و شنود مکالمات مردم به منظور کشف جرم و آثار آن، مخالف آزادی‌ها و حقوق مسلم افراد، و در تعارض با موازین شرعی است (عمید زنجانی، ۱۳۸۴: ۲۰۹). اهمیت این مطلب تا جایی است که در امر به معروف و نهی از منکر نیز بر اساس فتاوی فقهی «جایز نیست برای نهی از منکر از عمل حرامی کمک گرفته شود، مگر اینکه منکر، عملی باشد که شارع در هیچ شرایطی راضی به آن نیست، مثل قتل نفس محترمه» (نجفی، ۱۴۰۰: ۳۲۸/۴۱). به رسمیت شناختن حق حریم خصوصی از سوی قانون‌گذار باعث حمایت از ارزش‌هایی چون آزادی عمل، سلامت روان، استقلال و خودمختاری و نیز رشد و خلاقیت افراد خواهد شد، که در واقع به منزله توجه به انتظارات عمومی جامعه است. چون این حق را همگان تأیید و تکریم می‌کنند. این موضوع می‌تواند به عنوان یکی از معیارهای مقبولیت قانون مطرح باشد. بدیهی است که مقبولیت قانون، حاکمیت ارزش‌ها را در پی دارد که نتیجه‌اش ارتقای امنیت جامعه است (مرعشی، ۱۳۷۳: ۲۸).

### ۳.۱.۲.۴. توجه به احیای کرامت انسانی بزهدکار

بر اساس آیات قرآنی، همه انسان‌ها کرامت ذاتی دارند (اسراء: ۷۰). مراد از کرامت ذاتی، چیزی است که تصور انسانیت بدون آن ممکن نیست. این کرامت از وجود انسان تفکیک پذیر نیست و هیچ‌گونه ارتباطی به عقیده، نژاد و غیره ندارد (قماش، ۱۳۹۳: ۲۱۹). از دیدگاه برخی مکاتب حقوقی، مانند مکتب تحقیقی، گروهی از مجرمان فاقد کرامت ذاتی شناخته شده، با تعابیری چون «جانی بالفطره»، «انگل» و امثال آن خطاب می‌شوند (هاشم بیگی و نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۷: ۲۰۷). اما در بینش توحیدی هیچ‌گاه سرنوشت فرد یا گروهی به طور مطلق سقوط در بزهدکاری تعیین نشده و راه برگشت به انسانیت به روی افراد باز بوده و از جمله فلسفه مجازات‌ها در شرع مقدس نیز پاکیزگی ضمیر مجرم از آثار سوء جرم و احیای کرامت از دست رفته اوست. «صدق کلمه «عفیف» برای فردی که حدّ زنا خورده و توبه کرده» (نجفی، ۱۴۰۰: ۱۳۱/۴۲) از مصادیق بارز این ادعاست. ادله وارد شده از فقه امامیه در این خصوص حاکی از آن است که حفظ شخصیت همه افراد، حتی مجرمان، لازم است و چون قذف کافر حربی روا نیست، پس به طریق اولی هر گونه توهین و بی‌احترامی به مسلمان مجرم هم روا نیست (همان: ۱۳۲/۱۴). بنا بر روایات وارد شده، رعایت کرامت انسانی افراد، حتی مجرمان، بیانگر مشروعیت قواعد حقوق کیفری است. زیرا مشروعیت هر نظام دینی بر محوریت انسان به عنوان خلیفه خدا و احترام به ارزش‌های والای او، از جمله کرامت اوست، که «در علم حقوق علت پس‌روی جرم‌انگاری شمرده شده و مانع جرم‌انگاری‌های تهاجمی می‌گردد» (قماش، ۱۳۹۳: ۲۲۱). بدیهی است که محدود شدن قلمرو دخالت حقوقی کیفری در مناسبات مردم و ممانعت از جرم‌انگاری‌های تهاجمی از مهم‌ترین عوامل کاهش تورم قوانین کیفری و سیاهه جرائم و مجرمان و نیز کاهش حس انتقام مجرمان از مجریان قانون است که خود نقش کلیدی در استقرار امنیت ملی پایدار ایفا می‌کند.

## نتیجه

تأملی در فقه امامیه بیانگر ظرفیت‌ها و قابلیت‌های عینی و عملی سیاست جنایی آن در کاهش جرائم و برقراری نظم و امنیت است که در بُعد غیرکیفری بر پیش‌گیری بیش از درمان تأکید شده و در صدد است با تربیت صحیح به سلامت نفس و روان افراد جامعه کمک کند و به پرورش انسان‌های مؤمن، خودمهارگر و دارای احساس مسئولیت در قبال خود و دیگران نائل آید. در بُعد کیفری نیز با تکیه بر حقوق فطری بشری و صیانت از کرامت انسانی نوعاً از سیاستی منعطف و غایت‌مدار تبعیت کرده و بالحفاظ کردن انتظارات عموم در تدوین قوانین کیفری گام‌های مؤثری در کاهش جرائم و مجرمان برداشته است. عوامل یادشده از دلایل پذیرش و انقیاد مردم در برابر قانون است؛ زیرا وقتی مردم به آثار و فواید واقعی اوامر و نواهی الهی پی ببرند، اطاعت از قانون را با رغبت و انگیزه بیشتری بر خود واجب می‌دانند که نتیجه‌اش داشتن جامعه قانونمند و سالم در همه ابعاد، به ویژه امنیت ملی، است که تشکیل امت واحده از عرب جاهلی خودگواه زنده‌ای بر این ادعا است.



## منابع

- قرآن کریم.
- آنسل، مارک (۱۳۹۵). دفاع اجتماعی، ترجمه: محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: گنج دانش، چاپ پنجم.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۶). لسان العرب، بیروت: دار صادر، الطبعة الثالثة.
- جزیری، عبد الرحمن (۱۴۰۶). الفقه علی المذاهب الأربعة، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۵). دانش نامه حقوقی، تهران: امیرکبیر، چاپ سوم.
- جمشیدی، علی رضا؛ نوریان، علی رضا (۱۳۹۲). «متناسب بودن تعقیب کیفری: مفهوم، مبانی و جلوه‌ها در حقوق ایران و انگلستان»، در: پژوهش حقوق کیفری، س ۲، ش ۳، ص ۱۴۳-۱۶۲.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۷). فلسفه حقوق بشر، قم: اسراء، چاپ دوم.

- حجتی، سید محمدباقر (۱۳۷۷). اسلام و تعلیم و تربیت، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
- حکیم، محمدتقی (۱۴۱۸). اصول العامة للفقهاء المقارن، قم: المجمع العالمي لاهل البيت، الطبعة الثانية.
- خوبی، ابوالقاسم (۱۴۱۳). مصباح الفقاهة، قم: غدیر، چاپ سوم.
- ذوالقدر، محمدباقر؛ توکل پور کوخدان، محمدهادی (۱۳۹۴). مدیریت راهبردی پیش‌گیری از وقوع جرم و آسیب‌های اجتماعی، تهران: نشر قوه قضائیه.
- زاهدی اصل، محمد (۱۳۸۱). مبانی رفاه اجتماعی، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- ستوده، هدایت‌الله (۱۳۸۴). آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران: آوای نور.
- صادقی، محمدهادی (۱۳۹۲). «نقش توبه در حدود و تعزیرات»، در: پژوهش‌نامه حقوق کیفری، س ۴، ش ۸، ص ۱۵۳-۱۷۴.
- عباس‌زاده، هادی؛ کرمی، کامران (۱۳۹۰). «سرمایه اجتماعی و امنیت ملی پایدار»، در: مطالعات راهبردی، ش ۵۱، ص ۳۱-۵۸.
- عمید زنجانی، عباس‌علی (۱۳۸۴). مبانی حقوق عمومی در اسلام، تهران: امیرکبیر.
- عمید، حسن (۱۳۷۷). فرهنگ عمید، تهران: امیرکبیر، چاپ دوازدهم.
- قماش، سعید (۱۳۹۳). کرامت انسانی و نقش آن در جرم‌انگاری، تهران: میزان.
- کلارکسون، کریستوفر (۱۳۷۱). درک حقوق جزا، ترجمه: حسین میرمحمدصادقی، تهران: نشر دانشگاهی.
- لازرژ، کریستین (۱۳۸۱). درآمدی به سیاست جنایی، ترجمه: علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: میزان.
- مجلسی، محمد باقر (۱۳۷۹). بحار الانوار، قم: مؤسسه دار الفقه للطباعة والنشر.
- مرعشی، محمدحسن (۱۳۷۳). دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری اسلام، تهران: میزان.
- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۶۱). صحیفه نور، تهران: اسناد انقلاب اسلامی ایران.
- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۷). جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، تهران: میزان.
- نجفی، محمد حسن (۱۴۰۰). جواهر الکلام، تحقیق: محمود قوچانی، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- هاشم بیگی، حمید، نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۷۷). دانش‌نامه جرم‌شناسی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- یزدانی، فرشید (۱۳۸۲). مفاهیم بنیادی در مباحث رفاه اجتماعی، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی.

## References

- The Holy Quran
- Abbaszadeh, Hadi; Karami, Kamran. 2011. "Sarmayeh Ejtemai wa Amniyat Melli Paydar (Social Capital and Sustainable National Security)", in: Strategic Studies, no. 51, pp. 31-58. [in Farsi]
- Amid Zanjani, Abbas Ali. 2005. Mabani Hoghugh Omumi dar Islam (Basics of Public Law in Islam), Tehran: Amirkabir. [in Farsi]
- Amid, Hasan. 1998. Farhang Amid (Amid Dictionary), Tehran: Amirkabir, Twelfth Edition. [in Farsi]
- Ancel, Marc. 2016. Defa Ejtemai (Social Defense), Translated by Mohammad Ashuri & Ali Hoseyn Najafi Abarnadabadi, Tehran: Knowledge Treasure, Fifth Edition. [in Farsi]
- Clarkson, Christopher. 1992. Dark Hoghugh Jaza (Understanding Criminal Law), Translated by Hoseyn Mir Mohammad Sadeghi, Tehran: University Publication. [in Farsi]
- Ghomashi, Said. 2014. Keramat Ensani wa Naghsh An dar Jorm Engari (Human Dignity and Its Role in Criminalization), Tehran: Balance. [in Farsi]
- Hakim, Mohammad Taghi. 1997. Al-Osul al-Ammah fi al-Feghh al-Mogharen (General Principles in Comparative Jurisprudence), Qom: Ahl al-Bayt International Assembly, Second Edition. [in Arabic]
- Hashem Beygi, Hamid; Najafi Abarnadabadi, Ali Hoseyn. 1998. Daneshnameh Jormshenasi (Encyclopedia of Criminology), Tehran: Shahid Beheshti University. [in Farsi]
- Hojjati, Seyyed Mohammad Bagher. 1998. Islam wa Talim wa Tarbiyat (Islam and Education), Tehran: Publication of Islamic Culture. [in Farsi]
- Ibn Manzur, Mohammad ibn Mokarram. 1995. Lesan al-Arab (Language of Arabs), Beirut: Sader Institute, Third Edition. [in Arabic]
- Jafari Langerudi, Mohammad Jafar. 1996. Daneshnameh Hoghughi (Legal Encyclopedia), Tehran: Amirkabir, Third Edition. [in Farsi]
- Jamshidi, Alireza; Nuriyan, Alireza. 2013. "Motenaseb Budan Taghib Keyfari: Mafhum, Mabani wa Jelweh-ha dar Hoghugh Iran wa Engelestan (Proportionality of Criminal Prosecution: Concept, Basics and Effects in Iranian and English Law)", in: Criminal Law Research, yr. 2, no. 3, pp. 143-162. [in Farsi]

- Jawadi Amoli, Abdollah. 1998. Falsafeh Hoghugh Bashar (Philosophy of Human Rights), Qom: Esra, Second Edition. [in Farsi]
- Jaziri, Abd al-Rahman. 1985. Al-Feghh ala al-Mazaheb al-Arbaah (Jurisprudence based on the Four Denominations), Beirut: Arab Heritage Revival House. [in Arabic]
- Khoiyi, Abu al-Ghasem. 1992. Mesbah al-Feghahah (The Light of Jurisprudence), Qom: Ghadir, Third Edition. [in Arabic]
- Lazerges, Christine. 2002. Daramadi be Siyasat Jenayi (An Introduction to Criminal Policy), Translated by Ali Hoseyn Najafi Abarnadabadi, Tehran: Balance. [in Farsi]
- Majlesi, Mohammad Bagher. 1959. Behar al-Anwar (Oceans of Lights), Qom: Jurisprudence Printing and Publishing Foundation. [in Arabic]
- Marashi, Mohammad Hasan. 1994. Didgah-hay No dar Hoghugh Keyfari Islam (New Perspectives in Islamic Criminal Law), Tehran: Balance. [in Farsi]
- Mir Mohammad Sadeghi, Hoseyn. 2018. Jaraem alayh Amniyat wa Asayesh Omumi (Crimes against Public Safety and Comfort), Tehran: Balance. [in Farsi]
- Musawi Khomeini, Ruhollah. 1982. Sahifeh Nur (Treatise of Light), Tehran: Documents of the Islamic Revolution of Iran. [in Farsi]
- Najafi, Mohammad Hasan. 1979. Jawaher al-Kalam (Jewelry Words), Researched by Mahmud Ghuchani, Tehran: House of Islamic Books. [in Arabic]
- Sadeghi, Mohammad Hadi. 2013. "Naghsh Tobeh dar Hodud wa Tazirat (The Role of Prescribed and Discretionary Punishments)", in: Criminal Law Research, yr. 4, no. 8, pp. 153-174. [in Farsi]
- Sotudeh, Hedayatollah. 2005. Asibshenasi Ejtemai (Social Pathology), Tehran: Sound of Light. [in Farsi]
- Yazdani, Farshid. 2003. Mafahim Bonyadi dar Mabaheth Refah Ejtemai (Basic Concepts in Social Welfare Issues), Tehran: Welfare Sciences University. [in Farsi]
- Zahedi Asl, Mohammad. 2002. Mabani Refah Ejtemai (Basics of Social Welfare), Tehran: Allameh Tabatabaei University. [in Farsi]
- Zolghadr, Mohammad Bagher; Tawakkolpur Kukhdan, Mohammad Hadi. 2015. Modiriyat Rahbordi Pishgiri az Woghu Jorm wa Asib-hay Ejtemai (Strategic Management of Crime Prevention and Social Damage), Tehran: Publication of the Judiciary. [in Farsi]